

آموزش عالی و پرورش روحیه‌ی کارآفرینی در دانشجویان

”مورد بررسی: دانشگاه مازندران“

دکتر ابراهیم صالحی عمران: استادیار دانشگاه مازندران
فرخنده رستمی: کارشناس ارشد برنامه ریزی آموزشی

چکیده:

آموزش کارآفرینی مهم‌ترین تلاشی است که بستر لازم برای فراگیری دانش و مهارت‌های ضروری را برای افراد علاقمند مخصوصاً دانشجویان و دانش‌آموختگان دانشگاهی که جویای مشاغل ارضاکننده و چالش‌انگیز هستند فراهم می‌کند. آموزش عالی باید بتواند با ارائه برنامه‌های آموزشی مناسب در بروز ویژگی‌هایی مانند استقلال طلبی، ریسک‌پذیری، خلاقیت، خودباوری و آینده‌نگری در دانشجویان موثر باشد و توانایی‌های بالقوه دانشجویان را شناسایی کند و این توانایی را بین آنها ایجاد کند که دانش‌آموخته‌گان به جای جستجوی کار خودشان به عنوان نیروی مولد علاوه بر ایجاد کسب و کار برای خود برای دیگران نیز کار ایجاد کنند. بنابراین هدف اصلی تحقیق حاضر زمینه‌یابی آموزش‌های دانشگاهی در پرورش روحیه‌ی کارآفرینی دانشجویان می‌باشد. نتایج بدست آمده از تجزیه و تحلیل داده‌ها بیانگر آن است که برنامه‌های آموزشی دانشگاه زمینه‌ی پرورش کارآفرینی را برای دانشجویان فراهم نکرده است. نتایج آزمون تحلیل واریانس برای مقایسه عملکرد برنامه‌های آموزشی در دانشکده‌های مختلف نشان داد که هیچکدام از دانشکده‌ها عملکرد بهتر یا بدتری نسبت به سایر دانشکده‌ها در پرورش روحیه‌ی کارآفرینی نداشته است و میزان برخورداری دانشجویان از روحیه‌ی کارآفرینی در ۱۴ دانشکده مورد مطالعه تفاوت معناداری با هم نداشته است. همچنین نتایج آزمون تی تست برای مقایسه میانگین روحیه‌ی کارآفرینی زنان دانشجو و مردان دانشجو نشان داد که بین جنسیت و روحیه‌ی کارآفرینی رابطه معناداری وجود نداشته است.

واژه‌های کلیدی: آموزش عالی، کارآفرینی، دانشجو

مقدمه و بیان مسئله:

عصر جدید، عرصه‌ی رقابت بر سر منابع و سرمایه‌هاست، کشورهای بزرگ صنعتی که فاتحان این عرصه‌اند بهره‌وری از منابع و سرمایه‌ها را در سرلوحه کار خود قرار داده‌اند و در پرتو وجود افراد تحصیلکرده و متخصص، چرخ‌های رشد و توسعه را به حرکت در آورده‌اند و به ابداعات و نوآوری‌هایی دست یافته‌اند. دسترسی به این نوآوری‌ها که اقتصاد کشورهای توسعه‌یافته را از نو زنده کرده است منوط به کارآفرینی است. شان(۲۰۰۳) کارآفرینی را به این دلیل که جامعه را به سمت تغییرات تکنیکی و مبتکرانه سوق داده و باعث رشد اقتصادی می‌شود و همچنین چون کارآفرینی دانش جدید را به خدمات و محصولات جدید تبدیل می‌کند حایز اهمیت می‌داند. سالازار(۱۳۸۳) نیز بر این اعتقاد است که کارآفرینی علاوه بر ایجاد اشتغال، موجب بالا رفتن کیفیت زندگی، توزیع مناسب درآمد، کاهش اضطراب‌های اجتماعی و بهره‌وری از منابع ملی می‌شود. کارآفرینی پدیده فنی-اقتصادی جدیدی است که در دو دهه اخیر جهان اقتصاد و صنعت را با پیامدهای شگفت‌خود متحول ساخته است. در حال حاضر که اقتصاد کشور ما گرفتار نارسایی‌ها، کمبودها، و سوءمدیریت‌هایی است که منجر به وضعیت نا‌هنجار بیکاری، کمبود تولید ناخالص داخلی، کاهش قدرت

سرمایه گذاری دولت، ضعف در صادرات غیر نفتی و بیماریهایی از این قبیل شده است. نیم نگاهی به وضعیت جهانی اقتصاد ما را به سوی این باور می کشاند که رشد کارآفرینی و فرهنگ کارآفرینانه به شرطی که هنرمندانه، با فرهنگ، امکانات، تواناییها و سلیقه ایرانی آمیخته شود تنها راه بهبود بیماری امروز اقتصاد کشور و پیشگیری از وخامت حال فردا است (دهقانپور، ۱۳۸۱). با توجه به دلایلی که در زمینه اهمیت کارآفرینی وجود دارد ضروری است برنامه ریزان و کارگزاران دولتی با حمایت همه جانبه از فرایند کارآفرینی و برنامه ریزی جامع، زمینه رشد و ترویج فرهنگ کارآفرینی را فراهم کنند.

امروزه شواهد موجود نشان می دهد که کارآفرینی می تواند در نتیجه برنامه های آموزشی، پرورش یابد (سالازار و دیگران، ۱۳۸۳). نظریه پردازان علم مدیریت که بعد فنی کارآفرینی را بررسی می کنند بر این اعتقاد هستند که کارآفرینان می توانند در کلاس درس آموزش ببینند و بالنده شوند (عابدی، ۱۳۸۱). بنابراین کارآفرینی امروزه به یکی از مهم ترین و گسترده ترین فعالیت های دانشگاهها تبدیل شده است (احمدپور، ۱۳۷۹). دانشگاهها ملزمند برای ترقی و ترویج آموزش کارآفرینی بیندیشند، چون نسل جوان نیاز دارد که بدانند چطور در برابر محیط های نا امن و پیچیده و قوانین و مقررات متغیر در بازار کار بطور انعطاف پذیر عمل کند. ساختار نظام آموزشی باید طوری تنظیم گردد که فارغ التحصیلان بتوانند در آینده بصورت کارآفرین در جامعه فعالیت کنند (اوسمان، ۱۹۹۸).

پیشینه‌ی تحقیق

با وجود آنکه نقش کارآفرینان در رشد اقتصادی - اجتماعی و اشتغال زایی انکار ناپذیر است ولی شواهد موجود بیانگر آن است که در کشور ما برنامه های آموزشی موجود در آموزش عالی در جهت پرورش ویژگی های کارآفرینی دانشجویان تدوین نشده است. در تحقیقی که عزیزی در سال ۱۳۸۲ بر روی دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی انجام داد، به این نتیجه رسیده است که زمینه بروز و پرورش کارآفرینی برای دانشجویان فراهم نشده است. بدری نیز در تحقیقی که در سال ۱۳۸۴ با هدف تعیین قابلیت های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه اصفهان انجام داد به این نتیجه رسیده است که اگر چه قابلیت های کارآفرینی در زمینه های استقلال طلبی، کنترل درونی، انگیزه پیشرفت و خلاقیت در دانشجویان بالاتر از میانگین است ولی آموزش های دانشگاهی در پرورش ویژگی های دانشجویان موثر نبوده است، همچنین بین قابلیت های کارآفرینی دانشجویان مراجعه کننده به مرکز کارآفرینی و سایر دانشجویان تفاوت معناداری مشاهده نشده است. احمدی (۱۳۸۵) نیز در پژوهشی که تحت عنوان نیاز سنجی آموزش کارآفرینی در بین دانشجویان دوره کارشناسی مهندسی برق دانشگاه تهران انجام داده است به این نتیجه رسیده است که برنامه های درسی دوره کارشناسی مهندسی برق دانشگاه تهران نتوانسته دانش و مهارت های مورد نیاز در زمینه کارآفرینی را در دانشجویان پرورش دهد و فارغ التحصیلان حتی آنها که روحیه کارآفرینی بالایی دارند پس از اتمام تحصیلات آماده ایجاد یک کسب و کار برای خود نمی باشند. همچنین نتایج این پژوهش نشان داد که دانش و مهارت های کارآفرینی مورد نیاز دانشجویان در چهار زمینه شامل: - ایجاد انگیزه و تمایل برای ایجاد کسب و کار - دانش و مهارت امکان سنجی کسب و کار - توانایی ایجاد کسب و کار - ارزیابی وضعیت موجود و برنامه ریزی برای توسعه ی کسب و کار جدید می باشد.

رشد روحیه کارآفرینی فرایندی پرورشی است در تایید این ادعا یافته های تجربی نیز در دست می باشد در مطالعه ای که راشید^۲ (۲۰۰۰) در زمینه نقش آموزش بر افزایش نگرش و خصوصیات کارآفرینانه انجام داد به این نتیجه رسید که افرادی که تحت آموزش کارآفرینی قرار گرفتند نمرات بیشتری در انگیزه پیشرفت، مرکز کنترل درونی، عزت نفس و خلاقیت به بدست آوردند. هزار جریبی (۱۳۸۲) نیز در تحقیق خود به رابطه بین کارآفرینی و آموزش دوره های

1- Ussman
2- Rasheed

انگیزه پیشرفت، خلاقیت، ریسک پذیری و استقلال طلبی اشاره کرده است. همچنین هنسمارک (به نقل از راشید ۲۰۰۰) طی تحقیقی به بررسی نقش آموزش در افزایش مرکز کنترل درونی افراد پرداخته و متوجه شد که برگزاری دوره های آموزش کارآفرینی بر میزان کنترل درونی افراد تاثیر گذار است. در تحقیقی که شیرزادی (۱۳۸۵) در آن به بررسی رابطه جو سازمانی با روحیه کارآفرینی دانش آموزان پرداخته، به این نتیجه رسیده است که فراهم آوردن فضای مناسب باعث رشد روحیه کارآفرینی می شود، نتایج پژوهش وی نشان داد که میزان شاخص های روحیه کارآفرینی در بین دانش آموزان بیش از حد متوسط بوده است و با رشد یک شاخص سایر شاخص های روحیه کارآفرینی بهبود می یابد. در تحقیقی که پوستیگو^۳ (۲۰۰۲) تحت عنوان آموزش کارآفرینی در آرژانتین انجام داده است، هدف این تحقیق بررسی و ارزیابی وضعیت موجود آموزش کارآفرینی در کشور آرژانتین بوده که با استفاده از روش مصاحبه با دانشجویان به این نتیجه رسیده است که از نظر دانشجویان مهم ترین دوره برای آموزش کارآفرینی دوره های آموزش خلاقیت و نوآوری است. دانشجویان خلاقیت و نوآوری را موثرترین ویژگی در انجام دادن فعالیت های کارآفرینانه عنوان کرده اند. آیوشیک^۴ (۲۰۰۶) نیز در تحقیق خود به این نتیجه رسید که کارآفرینی و حقوق انسانی از طریق آموزش توسعه داده می شود. همچنین در این تحقیق درباره موفقیت های دانشگاه در ترقی آموزش کارآفرینی و نیروی بالقوه برای کارآفرینی بحث شده است. آیوشیک در این مطالعه خاطر نشان شده که آموزش ضروری ترین نیاز برای مردم است برای اینکه از استعداد های بالقوه شان آگاهی یابند و با یادگیری مهارت ها برای زندگی بهتر در آینده آماده شوند. در مجموع نتایج مطالعات داخلی و خارجی نشان می دهد که کارآفرینی فرایندی اکتسابی و قابل پرورش است، که باید توجه لازم به این پدیده مبذول شود.

آموزش کارآفرینی مهم ترین تلاشی است که بستر لازم برای فراگیری دانش و مهارت های ضروری را برای افراد علاقمند مخصوصاً دانشجویان و دانش آموختگان دانشگاهی که جویای مشاغل ارضاکنده و چالش انگیز هستند فراهم می کند. این مسئولیت کلاً بر عهده دانشگاهها به ویژه دانشکده ها و گروه های علمی، تخصصی است که با توجه به مقتضیات کنونی و آتی کشور در جهت ایجاد سیستم های مطالعاتی و تدوین برنامه های آموزشی مناسب، آموزش کارآفرینی را در سطح دانشگاهها نهادینه کنند.

آموزش عالی باید بتواند با ارائه برنامه های آموزشی مناسب در بروز ویژگیهای مانند استقلال طلبی، ریسک پذیری، خلاقیت، خود باوری و آینده نگری در دانشجویان موثر باشند و تواناییهای بالقوه دانشجویان را شناسایی کند و این توانایی را بین آنها ایجاد کند که دانش آموخته گان به جای جستجوی کار خودشان به عنوان نیروی مولد علاوه بر ایجاد کسب و کار برای خود برای دیگران نیز کار ایجاد کنند. بنابراین سوال اساسی تحقیق حاضر این است که آیا از دیدگاه دانشجویان برنامه های آموزشی دانشگاه در پرورش روحیه کارآفرینی موفق بوده است؟

اهداف تحقیق

هدف اصلی: بررسی عملکرد برنامه های آموزشی دانشگاه مازندران در پرورش روحیه کارآفرینی از دیدگاه دانشجویان.

سوالات تحقیق

- ۱- آیا بین برنامه های آموزشی دانشکده های مختلف در پرورش روحیه کارآفرینی دانشجویان تفاوتی وجود دارد؟
- ۲- آیا تفاوت معنی داری در میزان روحیه کارآفرینی دانشجویان دانشکده های مختلف وجود دارد؟
- ۳- آیا بین جنسیت و روحیه کارآفرینی دانشجویان ارتباط معنی داری وجود دارد؟

روش تحقیق

با توجه به اهداف تحقیق محدودیت های متفاوتی از موضوعات مورد بررسی قرار می گیرند که استفاده از روش های متفاوتی را ایجاب می کند. این تحقیق از نوع توصیفی- زمینه یابی می باشد. تحقیق توصیفی به منظور توصیف یک جامعه تحقیقی در زمینه توزیع یک پدیده معین انجام می شود. به همین دلیل محقق در مورد علت وجودی توزیع بحث نمی کند بلکه تنها به چگونگی آن در جامعه مورد پژوهش می پردازد و آن را توصیف می کند (دلاور، ۱۳۸۴).

جامعه آماری، نمونه و روش نمونه گیری

جامعه آماری این تحقیق دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه مازندران می باشد که تعداد آنها بر اساس آمار بدست آمده از واحد آمار و انفورماتیک دانشگاه مازندران ۲۶۰۱ نفر بوده است. برای نمونه گیری از این جامعه آماری نمونه ای به حجم ۳۳۵ نفر از آنها با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی - طبقه ای به تفکیک دانشکده و جنسیت انتخاب شدند

ابزار گردآوری داده ها

ابزار مورد استفاده برای جمع آوری داده های مورد نیاز پژوهش حاضر پرسشنامه می باشد. بخش اول سوالات پرسشنامه تحقیق حاضر که مربوط به بررسی عملکرد برنامه های آموزشی دانشگاه از دیدگاه دانشجویان است، از پژوهشی با عنوان بررسی زمینه بروز و پرورش کارآفرینی که توسط عزیزی (۱۳۸۲)، در دانشگاه شهید بهشتی انجام شده بود اقتباس شده است. و در بخش دوم سوالات که مربوط به سنجش روحیه کارآفرینی دانشجویان است، از نمونه سوالات استاندارد شده کتاب «سازمان و مدیریت رویکردی پژوهش» استفاده شده است، همچنین نمونه سوالات این قسمت از پرسشنامه جمشیدی (۱۳۸۵)، در دانشگاه آزاد واحد بابل که ویژگی های فردی و روانشناختی کارآفرینان را سنجیده بود اقتباس و سپس با انجام تغییراتی مورد استفاده قرار گرفت برای سنجش پایایی، پرسشنامه بصورت آزمایشی بین ۳۰ نفر از اعضای جامعه آماری توزیع شد و از پاسخ دهندگان خواسته شد ضمن پاسخ به سوالات موارد نا مفهوم را با علامت مشخص کنند، پس از جمع آوری پرسشنامه ها با استفاده از روش محاسبه ضریب آلفای کرونباخ که با استفاده از نرم افزار spss انجام شده ضریب آلفای آن ۰/۷۹ بدست آمد.

شیوه تجزیه و تحلیل اطلاعات

در این تحقیق اطلاعات جمع آوری شده به دو صورت توصیفی (شامل: جداول فراوانی و نمودار) و استنباطی (شامل: آزمون Anova, T-Test, Binomial) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. از روش توصیفی برای سازمان دهی و خلاصه کردن اطلاعات و بیان ویژگی های جمعیت شناختی استفاده شده و از روش استنباطی برای پاسخگویی به سوالات تحقیق استفاده گردید.

یافته های پژوهش

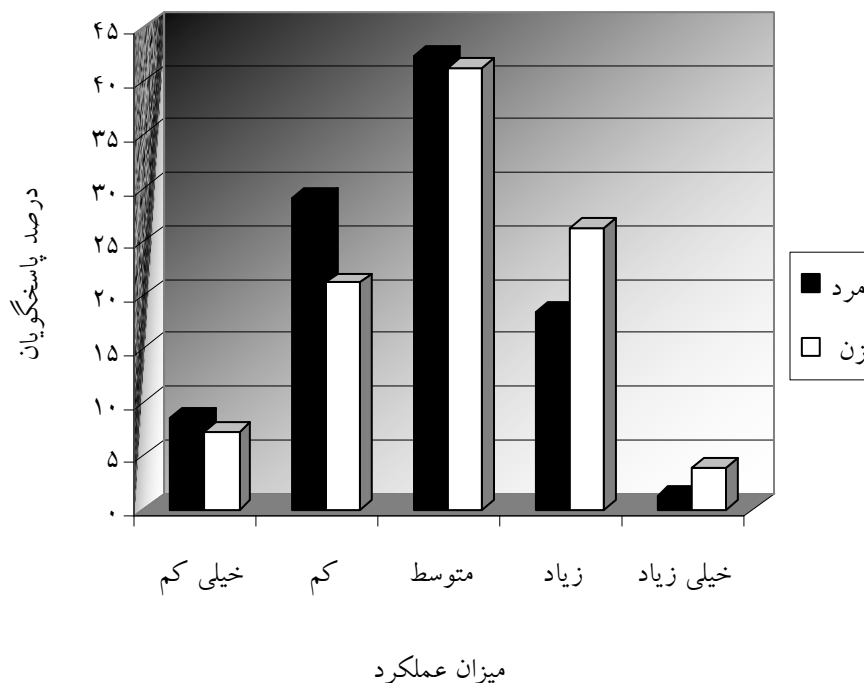
سوال اصلی پژوهش حاضر این بوده است که عملکرد برنامه های آموزشی از دیدگاه دانشجویان چگونه بوده است. نظرات پاسخگویان در دو گروه مساوی یا کمتر از ۵۰ درصد عملکرد ضعیف و بیشتر از ۵۰ درصد عملکرد قوی طبقه بندی شده است و برابری میانگین دو گروه بررسی شده که نتایج بدست آمده در جدول (۱)؛ به نمایش گذاشته شده است.

جدول شماره (۱)؛ بررسی عملکرد برنامه های آموزشی

مقوله	طبقه	فراوانی	درصد	sig
گروه اول	≤ 50	۲۴۶	۷۵/۰	
گروه دوم	>50	۸۴	۲۵/۰	/۰۰۰
جمع	_____	۳۳۰	۱۰۰/۰	

همانطور که در جدول (۱)؛ مشاهده می شود تنها ۲۵ درصد پاسخگویان اعتقاد داشته اند که برنامه های آموزشی دانشگاه کارآفرینی را در آنها به میزان زیادی پرورش داده است و ۷۵ درصد آنها عملکرد دانشگاه را در زمینه پرورش کارآفرینی ضعیف ارزیابی کرده اند. نتایج آزمون Binomial در سطح معناداری Sig = /000 از عدد ۱۰۵ کوچکتر بوده بنابراین ادعای برابری میانگین دو گروه پذیرفته نمی شود، چون گروه اول که عملکرد برنامه های آموزشی را ضعیف ارزیابی کرده اند درصد بیشتری را به خود اختصاص داده اند. طبق نتایج جدول فوق در مجموع، عملکرد برنامه های آموزشی دانشگاه در زمینه پرورش روحیه کارآفرینی موفق نبوده است.

نمودار شماره (۱)؛ عملکرد برنامه های آموزشی به تفکیک جنسیت



ARC

جدول شماره (۲): آزمون تفاوت میانگین عملکرد برنامه های آموزشی بر حسب دانشکده

متغیر	مقوله ها	میانگین کارآفرینی	f	Sig
	علوم انسانی	۴۲/۸۹۳۶		
	علوم اقتصادی	۴۳/۱۶۰۰		
	علوم پایه	۴۲/۷۴۵۸		
	حقوق و علوم سیاسی	۴۳/۷۳۳۳		
	هنر و معماری	۴۲/۵۰۰۰		
	تربیت بدنی	۴۱/۴۰۰۰		
	علوم زراعی	۳۹/۵۹۲۶		
دانشکده	مهندسی زراعی	۴۳/۳۰۰۰	۱/۲۵۶	/۲۳۹
	علوم دامی و شیلات	۴۸/۳۶۳۶		
	منابع طبیعی	۴۳/۶۸۷۵		
	برق	۳۸/۵۹۰۹		
	عمران	۴۸/۴۵۰۰		
	مکانیک	۴۰/۰۹۰۹		
	شیمی	۴۳/۷۲۷۳		
	جمع کل	۴۲/۷۴۲۴		

در پاسخ به سوال اول تحقیق که آیا بین برنامه های آموزشی دانشکده ها در پرورش روحیه کارآفرینی دانشجویان تفاوتی وجود دارد؟ این تصور وجود داشت که حداقل در دانشکده های فنی ومهندسی ارزیابی دانشجویان از عملکرد برنامه های آموزشی در زمینه پرورش روحیه کارآفرینی مثبت تر باشد ولی نتایج جدول نشان داد که تفاوت معناداری در زمینه پرورش روحیه کارآفرینی بین دانشکده ها وجود نداشته است. ($P= /239$)، به این معنی که هیچکدام از برنامه های آموزشی دانشکده ها در تقویت روحیه کارآفرینی نسبت به دیگر دانشکده ها تفاوت نداشته است (جدول ۲).

جدول شماره (۳): آزمون تفاوت میانگین روحیه کارآفرینی بر حسب دانشکده

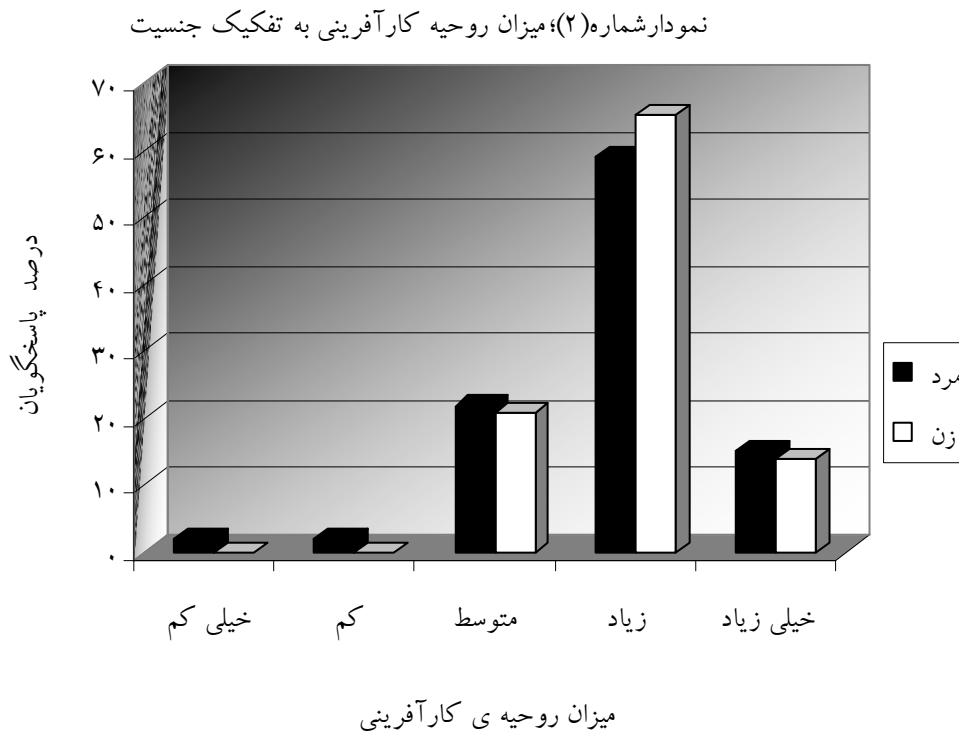
متغیر	مقوله ها	میانگین روحیه کارآفرینی	F	sig
دانشکده	علوم انسانی	۵۳/۷۱۷۴	۱/۴۶۶	/۱۲۹
	علوم اقتصادی	۵۵/۷۱۴۳		
	علوم پایه	۵۴/۱۵۲۵		
	حقوق و علوم سیاسی	۵۵/۰۶۶۷		
	هنر و معماری	۵۷/۰۰۰۰		
	تربیت بدنی	۵۲/۸۰۰۰		
	علوم زراعی	۵۳/۵۱۸۵		
	مهندسی زراعی	۵۷/۶۰۰۰		
	علوم دامی و شیلات	۵۵/۱۶۶۷		
	منابع طبیعی	۵۳/۶۲۵۰		
	برق	۵۴/۵۷۱۴		
	عمران	۵۸/۹۰۰۰		
	مکانیک	۵۶/۲۶۰۹		
مهندس شیمی	۵۹/۱۸۸۲			
جمع کل	۵۵/۱۲۷۷			

در پاسخ به سوال دوم تحقیق که آیا تفاوت معناداری در میزان روحیه کارآفرینی دانشجویان دانشکده های مختلف وجود دارد؟ یافته های جدول بیانگر آن است که اگر چه میانگین روحیه کارآفرینی در بین دانشکده های مختلف کمی با هم تفاوت دارند ولی تفاوت مشاهده شده از لحاظ آماری معنا دار نمی باشد ($p= /129$)، به این معنی که دانشجویان دانشکده های مختلف در نمونه مورد مطالعه به لحاظ برخورداری از روحیه کارآفرینی تقریباً در یک سطح بوده اند (جدول ۳).

جدول شماره (۴): آزمون تفاوت میانگین روحیه کارآفرینی بر حسب جنسیت

متغیر	مقوله ها	میانگین روحیه کارآفرینی	T	Sig
جنسیت	زن	۵۵/۳۳۱۵	/۵۴۳	/۵۸۸
	مرد	۵۴/۸۸۴۷		

در پاسخ به سوال سوم تحقیق که آیا بین جنسیت و روحیه کارآفرینی افراد ارتباط معنا داری وجود دارد؟ همانطور که ملاحظه می شود میانگین کارآفرینی در بین پاسخگویان مرد (۵۴/۸۸) و در بین پاسخگویان زن (۵۵/۳۳) بوده است که میانگین بدست آمده بسیار به هم نزدیک است ($p=588$) و ارتباط معناداری بین جنسیت و روحیه کارآفرینی دیده نشده است و پاسخگویان زن و پاسخگویان مرد به لحاظ برخورداری از روحیه کارآفرینی در یک سطح بوده اند (جدول ۴).



بحث و نتیجه گیری

در پاسخ به سوال اصلی تحقیق مبنی بر اینکه عملکرد برنامه های آموزشی دانشگاه مازندران در پرورش روحیه کارآفرینی از دیدگاه دانشجویان چگونه بوده است؟ در مجموع می توان گفت رضایت دانشجویان از عملکرد برنامه های آموزشی کم بوده است. و تنها ۲۵ درصد کل دانشجویان مورد مطالعه اعتقاد داشته اند که برنامه های آموزشی دانشگاه روحیه کارآفرینی را به میزان زیادی در آنها پرورش داده است. اگر چه مهم ترین ویژگیهای کارآفرینی (خلاقیت، استقلال طلبی، ریسک پذیری، انگیزه پیشرفت، کنترل درونی) در دانشجویان بصورت بالقوه وجود داشته است، اما توانایی ها و مهارت هایی مورد نیاز است، که می بایست در فراگیران پرورش داده شود. نتایج حاصل از سوال اصلی تحقیق با نتایج تحقیقات عزیز (۱۳۸۲)، بدری (۱۳۸۴) و شیرزادی (۱۳۸۵) همخوان بوده است.

در پاسخ به سوال اول تحقیق که آیا بین برنامه های آموزشی دانشکده ها در پرورش روحیه کارآفرینی دانشجویان تفاوتی وجود دارد؟ می توان گفت که بین عملکرد چهارده دانشکده مورد مطالعه هیچکدام از دانشکده ها در پرورش روحیه کارآفرینی نسبت به دیگر دانشکده ها عملکرد بهتر یا بدتری نداشته اند و تفاوت معناداری در زمینه پرورش روحیه کارآفرینی بین دانشکده ها وجود نداشته است و اندک تفاوت دیده شده از لحاظ آماری معنادار نمی باشد. بر خلاف تصور ظاهری که چنین به نظر می رسد در دانشکده های فنی، مهندسی به دلیل اینکه واحد های عملی بیشتری

می گذرانند عملکرد برنامه های آموزشی در تقویت روحیهی کارآفرینی بهتر از سایر دانشکده ها باشد ولی نتایج آزمون تحلیل واریانس در ارتباط با مقایسه میانگین ها در دانشکده های مختلف بیانگر آن است که رشته تحصیلی متغیر تاثیرگذاری در پرورش روحیهی کارآفرینی نمی باشد. نتایج حاصل از این سوال با نتایج تحقیقات عزیزی (۱۳۸۲) و بدری (۱۳۸۴) همخوان بوده است.

در پاسخ به سوال دوم تحقیق مبنی بر اینکه آیا تفاوت معناداری در میزان روحیهی کارآفرینی دانشجویان دانشکده های مختلف وجود دارد؟ با استناد به آماره های استنباطی، بین روحیهی کارآفرینی دانشجویان در چهارده دانشکده دانشگاه مازندران تفاوت معنا داری وجود ندارد و با توجه به نمودار (۲) متوجه می شویم که روحیهی کارآفرینی دانشجویان بالا بوده است. نتایج بدست آمده از این پژوهش در خصوص میزان روحیهی کارآفرینی دانشجویان با نتایج تحقیق زالی (۱۳۸۴) نا همخوان بوده است این تفاوت شاید ناشی از شرایط و ویژگی های خاص پاسخ دهندگان، شرایط متفاوت زمانی و تغییرات اجتماعی باشد.

در پاسخ به سومین سوال تحقیق مبنی بر اینکه آیا بین جنسیت و روحیهی کارآفرینی دانشجویان تفاوت معنا داری وجود دارد یا نه؟ در پاسخ به این سوال می توان گفت که دانشجویان زن و دانشجویان مرد به لحاظ برخورداری از روحیهی کارآفرینی تقریباً در یک سطح بوده اند و اندک تفاوت دیده شده نیز احتمالاً ناشی از اشتباهات نمونه گیری و غیره می باشد، و در مجموع با استناد به جدول (۵) و نمودار مربوط به آن متوجه می شویم هم دانشجویان زن و هم دانشجویان مرد از روحیهی کارآفرینی بالایی برخوردار بوده اند. یافته های پژوهش با نتایج تحقیقات عزیزی (۱۳۸۲)، یارایی (۱۳۸۳) تی پترین (۱۳۸۱) و هیستریچ و براش (۱۹۸۴) همخوان بوده است.

به عنوان نتیجه گیری کلی از این تحقیق با توجه تجزیه و تحلیل های بدست آمده از نظرات دانشجویان می توان گفت برنامه های آموزشی موجود در آموزش عالی در جهت پرورش ویژگی های کارآفرینی دانشجویان تدوین نشده است. این برنامه های مبتنی بر تفکر همگرا و متکی بر محفوظات صرف و دروس نظری که بدون توجه به پرورش مهارت های کارآفرینی می باشند، موجب ایجاد روحیهی مدرک گرایی و نبود روحیهی پژوهشگری در دانش آموختگان شده است. در پایان این نوشته پیشنهاد پژوهشی این تحقیق این است که تحلیل محتوایی از کتاب های درسی در رشته های مختلف آموزش عالی از حیث توجه به موضوع کارآفرینی در برنامه های آموزشی انجام شود. پیشنهاد اجرایی این تحقیق نیز این است مسئولین دانشگاه با توجه به ضرورت و اهمیت فرایند کارآفرینی زمینه گسترش فعالیت های کارآفرینی را در برنامه های تحصیلی و آموزشی فراهم آورند و اصلاحات لازم را در برنامه های درسی دانشگاه انجام دهند. همچنین باید فرصت های کسب و کار هر رشته تحصیلی را برای دانشجویان آن رشته معرفی کرد. در برنامه درسی هر رشته افراد موفق آن رشته که کسب و کاری را برای خود ایجاد کرده اند برای دانشجویان بصورت مطالعه موردی معرفی و مورد بررسی قرار گیرد و از نظرات و تجربیات آنان استفاده شود تا دانشجویان بدانند که افراد موفق هم رشته آنها چگونه در کسب و کارشان موفق شده اند.

منابع و ماخذ

احمدپور داریانی، محمود (۱۳۷۹). **کارآفرینی، تعاریف، نظریات، الگوها**، تهران: شرکت پردیس.
احمدپور داریانی، محمود و رضاییان (۱۳۷۷). «سیر تکامل کارآفرینی، مفهوم، دیدگاهها، فرایند و آموزش»: نشریه مدرس شماره ۶۰: ۱۴۰-۱۲۳.

احمدی، محمد (۱۳۸۵). **نیاز سنجی آموزش کارآفرینی در دانشجویان دوره کارشناسی رشته برق دانشکده فنی دانشگاه تهران**، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه تهران

بدری، احسان (۱۳۸۴). بررسی قابلیت های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه اصفهان، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه اصفهان

دلور، علی (۱۳۸۴). احتمالات و آمار کاربردی در روان شناسی و علوم تربیتی تهران: رشد چاپ یازدهم

دهقانپور فراشاه، علی (۱۳۸۱). «کارآفرینی و کارآفرینان، تعاریف و ویژگیها»، فصلنامه صنایع شماره ۳۳: ۲۴-۱۲.

سالازار، میلنو؟ (۱۳۸۳). مقدمه ای بر کارآفرینی ترجمه سیامک نطق سازمان ملی بهره وری ایران چاپ اول

شیرزادی اصفهانی، هما (۱۳۸۵). بررسی رابطه جو سازمانی با روحیه کارآفرینی در دانش آموزان، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه الزهرا

عابدی، رحیم (۱۳۸۱). «مروری بر مکاتب فکری کارآفرینی»، مجله علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه سیستان و بلوچستان ویننامه اقتصاد و مدیریت: ۱۷۲-۱۵۵.

عیزی، محمد (۱۳۸۲). بررسی زمینه های بروز و پرورش کارآفرینی در دانشجویان سال آخر کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید بهشتی

گلرد، پروانه (۱۳۸۴). «عوامل موثر بر توسعه کارآفرینی زنان ایرانی» پژوهش، زنان، شماره ۱: ۱۲۳-۱۰۱.

هزار جریبی، جعفر (۱۳۸۴). «توسعه کارآفرینی و دانش آموختگان» فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره ۳۰: ۱۷۶-۱۵۹

Hisrich .R.D.Peters .M.P .(1998), “**The individual Entrepreneur in Entrepreneurship**”
Mc Grow – Itill

Postigo , S (2002) “ **Entrepreneurship Education in Argentina the case of San Anders University.** In Proceedings of the Conference Entitled the Internationalizing in Entrepreneurship Education and traini

Rasheed , H.S.(2000). “ **Developing Entrepreneurial Potential in youth**” the effect of Entrepreneurial Education and venture creation, Available at: WWW.coba.usf.edu / Departments / Management / Faculty / rasheed / Youth Entrepreneurship

Shan. S .Locke ,E & Collin ,C.(2003) “ **Entrepreneurial motiation .Human resource management Review** ” Vol,13 pp 257-279

Surendra K. Kaushik , Shorav Kaushik , Shobha Kaushik. (2006) “How higher Education in rural India helps human rights and Entrepreneurship ”**Journal of Asian Economics** 17 p 29- 34

Ussman , Anamaria (1998) “**University and Entrepreneurship Development International**” Conference Budapest Hungary .JULY p 13-15

Vesper, K.(1996) “**Research on education for Entrepreneurship. Paper presented at the Conference on Research and education in entrepreneurship**” Baylor University, March